



احسان طبری

در باره

# منطق عمل

چگونه می توان به عمل اجتماعی مبنای علمی بخشید؟



- احسان طبری
- دربارهٔ منطق عمل چگونه می توان به عمل اجتماعی مبنای علمی بخشید؟
- چاپ سوم، ۱۳۸۴
- حق چاپ و نشر برای انتشارات حزب تودهٔ ایران محفوظ است.

- Postfach 100644 , 10566 Berlin , GERMANY
- B.M. Box 1686 , London WC1N 3XX , UK
- <http://www.tudehpartyiran.org>

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴	یادآوری
۵	درآمد
۷	فصل اول: مرحلهٔ تئوریک
۱۲	فصل دوم: مرحلهٔ پراتیک
۱۶	پایان سخن
۱۷	اندکس مقولات اساسی

## در بارهٔ منطق عمل \*

چگونه می توان به عمل اجتماعی مبنای علمی بخشید؟

### • یادآوری

این رسالهٔ کوتاه از خواننده خود توقع دارد که بدان برخورد جدی شود. بافت تاریخ انسانی از عمل است و عمل انقلابی یا دگرساز که مجرای تأثیر اندیشه و اراده انسان در این دگرسازی است، خود دارای قانونمندی است و این رساله مدعی است که می خواهد این قانون را بشکافد. در شرایط کنونی تاریخ میهن ما مطلب، مطلب لازمی است و نویسنده امیدوار است که رساله بتواند در حد خود به رزمندگان جوان ما سود برساند تا پایه علمی و عقلانی عمل متری خود را بالاتر برند.

۱. ط. آذر ۱۳۶۰ - تهران

---

\* مقاله "در بارهٔ منطق عمل" اثر فرزانه فقید، رفیق احسان طبری، برای نخستین بار در آذر ماه ۱۳۶۰ توسط انتشارات سازمان جوانان تودهٔ ایران در آلمان فدرال بچاپ رسید. رفیق احسان طبری مقالهٔ حاضر را با این جمله تقدیم مبارزین جوان می کند:

"به همهٔ رزمندگان جوان کشور که با عمل حماسی - انقلابی خود آینده بزرگ میهن ما را می سازند."

## ● درآمد

تلاش ایثارگرانه یک فرد یا سازمان انقلابی، پیش از انقلاب و پس از آن، عبارت است از عمل کارا، مؤثر و دارای مبنای علمی و اخلاقی، در سمت نوسازی و بهسازی نظام اجتماعی بسود مردم زحمتکش و ستمدیده. در این راه کوهی از مشکلات باید از سر راه برداشته شود و انبوهی از وظایف بسیار بفرنج باید حل گردد.

اگر بخواهیم آنرا مدعی «مهندسی اجتماعی» بنامیم (چنانکه در نزد جامعه شناسان غرب مرسوم است) این یک تعمیرکاری کمابیش سطحی نیست، بلکه باید آنرا **مهندسی بنیادی** دانست، که هدف آن برپا داشتن خانه ای نو و زیبا و فراخ و آسوده برای زیست تمام جامعه و ویران ساختن خانهٔ تنگ و محقر و کهنه گذشته است.

این تلاش ایثارگرانه در راه نوسازی اجتماعی، **عمل انقلابی** نام دارد. عمل انقلابی دارای **منطقی** است که اگر بدرستی مراعات نشود، به خطا می‌رود و به شکست می‌انجامد.

عمل انقلابی اگر کورکورانه باشد، قواعد درست و قوانین رشد اجتماعی را مراعات نکند، نه تنها خود به هدف نمی‌رسد، بلکه به جامعه نیز زیان می‌رساند. ما این واقعیت را در روشهای ماجراجویانه یا ارتجاعی مشاهده کرده‌ایم و می‌کنیم. چنین طرز عملی می‌تواند بر اثر تصادفات مساعد به موفقیت هم برسد ولی در

تاریخ دوام نمی آورد.

در شرایط کنونی که انقلاب ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی و مردمی در کشور ما گام به پیش برمی دارد، هدف انقلابیون، با هر بینشی که باشند، باید در سمت ژرفتر کردن و به پیش راندن امر انقلاب و نوسازی جامعه به سود زخم‌تکشان یدی و فکری شهر و روستا معطوف گردد تا انقلاب به پیروزی نهائی و به تثبیت دست یابد.

لذا پیش از دست زدن به عمل انقلابی، ما ناگزیر با مرحله آگاهی و بررسی تئوریک روبرو هستیم. یعنی باید بینش انقلابی داشته باشیم و چارچوب تاریخی-اجتماعی عمل خود را بشناسیم. لذا بحث ما در این رساله به دو بخش تقسیم می شود: بررسی مرحله تئوریک و بررسی مرحله پراتیک عمل اجتماعی. در دو فصل آینده این بررسی را به کوتاهی انجام می دهیم.

## فصل اول

### ● مرحله تئوریک

مرحله تئوریک (یا نظری) را میتوان به نکات زیرین تقسیم کرد:

۱ - نکته اول بدرستی روشن ساختن چارچوب تاریخی و اجتماعی فعالیت انقلابی براساس تئوری علمی است. ما باید جامعه را بطور کلی بشناسیم و بدانیم که خودما در چه جامعه‌ای زندگی می‌کنیم.

پس از آنکه دانستیم که جامعه ما اکنون یک مرحله بسیار دشوار گذارانقلابی از یک جامعه سرمایه‌داری وابسته با بقایای نیمه فئودالی و پادشاهی را به سوی یک نظام خلقی طی می‌کند، باید بدانیم هدف دور (استراتژیک) و نزدیک (تاکتیکی) ما چیست. باید بدانیم که از این دو هدف چه وظایف مشخصی در عرصه اقتصاد، سیاست، ساختار اجتماعی و فرهنگ ناشی می‌شود. ضرور است بدانیم که برای نیل به مقاصد عادلانه اجتماعی، چه مشکلاتی در سر راه ماست و خصلت این مشکلات از جهت پیچیدگی چگونه است و ویژگی‌های انقلاب بزرگ کشور ما چیست؟

۲ - نکته دوم متمرکز کردن کل توجه ما به وظایف نزدیک و مبرم است که

حلّ آن‌ها در برابر ما ایستاده است. طبیعی است که افراد «پراگماتیک<sup>I</sup>» به بخش اول اهمیتی نمی‌دهند و تنها به این بخش می‌پردازند. عیب کار آنست که اگر ما زمینه تاریخی-اجتماعی و دورنمایی جامعه و جنبش را ندانیم، درک ما از وظایف عاجل و مُبرم هم می‌تواند خطا باشد. در اینجا نیز باید بدرستی بدانیم امکانات ما بمثابه نیروی انقلابی چیست و دشواری‌ها و مشکلات ما کدام است. نیروی مادی و معنوی موانعی را که در سر راه داریم بدون پُر بها دادن یا کم بها دادن بسنجیم.

۳ - اکنون باید از مجموع این وظایف مبرم، مشخص‌ترین وظایف روز را در عرصه‌های مختلف معین کنیم تا از مرحله تماشاگری نظری خارج شویم و گام در عرصه پُر هیا هو و تاریخ‌ساز عمل بگذاریم. در اینجا قاعده دسته‌بندی وظایف، **تعین‌الاهم فالاهم** (یا *Priorité*) مطرح می‌شود. وقتی رهبری همه مطالب را برای سازمانگران و اعضاء سازمان روشن ساخت، ما از کار بررسی صرفاً تئوریک به کار بخرنج بررسی فاکت‌های مربوط به اجراء وظیفه مشخص می‌رسیم.

۴ - این بخش، بخش **تحلیل علمی فاکت‌های** مربوط به وظیفه یا وظایف **مشخص** است. بینش انقلابی می‌گوید: «حقیقت مشخص» است، یعنی آن را باید در تبلور اجتماعی و تاریخی لمس کرد و در ذهن خود از آن الگوی تجریدی نساخت. بینش انقلابی می‌گوید اسلوب ما بررسی **حقیقت مشخص** در وضع مشخص است.

I پراگماتیسم (Pragmatisme) مکتب فلسفی آمریکائی عمل‌گرائی ویلیام جیمس و دیوئی است. پراگما یعنی عملی که از جهت یک بورژوا سودآور و هدف‌رس باشد و با پراتیک فرق دارد.



این همان چیزی است که آن را در تئوری سیستم‌ها «برخورد سیستمی» نام نهاده‌اند. در این بُرهه باید همه فاکت‌ها را بررسی کرد. در شخص‌کشی است بسوی یافتن فاکت‌هایی که «فرضیه نخستین» او را تأیید می‌کند. اینکه «فرضیه نخستین» در باره اینکه اوضاع در عرصه معین از چه قراری باید باشد، ضرور است، در آن ابدأ تردیدی نیست. بدون «فرضیه نخستین» نمی‌توان وارد تحلیل فاکت‌ها شد. ولی خطای فاحشی است اگر ما به این «فرضیه نخستین» بچسبیم و عنادی داشته باشیم که آنرا به ضرب فاکت‌های دست‌چین شده، به اثبات برسانیم.

۵ - لذا فاکت‌ها را اعم از اثباتی - که فرضیه ما را ثابت می‌کند - یا سلبی که فرضیه ما را رد می‌کند باید گرد آوریم، همه فاکت‌ها را! چون پدیده غیر از ماهیت است. ظاهر چیز دیگر و باطن امر چیز دیگر می‌گوید. لذا خودمان خودمان را فریب ندهیم. ما به کنترل فاکت‌ها نیازمندیم. زیرا برخی‌ها از جهت ذهنی گرایش به خوش‌بینی، اراده‌گرایی، احساس کوه‌قدرتی دارند. برخی‌ها برعکس گرایش به بدبینی، تسلیم به سیر خودبخودی حوادث (Quiétisme)، تقدیرگرایی (Fatalisme)، احساس شکست دارند. واقعیت تاریخی با حالت روحی شما کاری ندارد و در مسیر خود می‌رود. لذا باید آنرا با شیوه عینی شناخت تا بررسی همه‌سویه باشد و روح شما را فریب ندهد.

۶ - در عین حال ما باید به بررسی تکوینی و تاریخی پدیده مورد توجه خود دست بزنیم. این مطالعه تکوینی یا ژنه‌تیک ما را با خبر می‌سازد که جریان از کجا آغاز شده، چه مراحل را گذرانده که اینک به اینجا رسیده.

این بررسی تاریخی فاکت‌ها به ما امکان نتیجه‌گیری منطقی می‌دهد. تاریخی و منطقی با هم یک جفت دیالک‌تیکی هستند.

۷ - ممکن است در اثر بررسی فاکت‌ها ما به چند نتیجه محتمل برسیم. چون بررسی غالباً در جمع انجام می‌گیرد - و بهتر است در صورت امکان در جمع انجام گیرد - ای بسا به تعداد جمع نتیجه‌گیری وجود داشته باشد. در اینجا ما به عمل «بهینه‌سازی» (Optimalisation)، یعنی انتخاب پی‌گیرترین و جامع‌ترین نتیجه دست می‌زنیم. این ترازبندی را اداره‌کننده تحلیل به رأی می‌گذارد.

پس می‌بینیم که تنها مشخص کردن چارچوب تئوریک و اجتماعی کلی کافی نیست، بلکه وظیفه و امر مشخص که باید به عرصه عمل منتقل شود نیازمند بررسی جدی فاکتوگرافیک و تکوینی و بهینه‌سازی است تا بصورت تصمیم درآید.

۸ - نکته چهارم در تحلیل تئوریک پیش‌بینی (Prognostique) است. اگر نکات چهارگانه ذکر شده را بتوان «تشخیص» یا دیاگنوستیک (Diagnostique) نام نهاد، این نکته آخری را باید «آینده‌نگری» یا «پروگنوستیک» نام گذاشت. البته این عمل، عمل غیب‌گوئی نیست، بلکه عمل بررسی احتمالات مساعد و نامساعد و مسیر محتمل امر مورد بررسی است. اینکار باید موافق قاعده علمی صورت گیرد. باید دانست که تاریخ پُر از نامتظرهاست. باید دانست که برای موفقیت، وقت و فرجه نمی‌توان معین کرد. باید دانست که تاریخ میتواند کامیابی امر حق را - که حتماً سرانجام به نصرت خواهد رسید - دیری به عقب بیاندازد، یا به جلو بیاندازد. حتی المقدور برای احتمالات مساعد و نامساعد باید چاره‌اندیشید

و آمادگی قبلی داشت.

بدینسان ما تمام مراحل بررسی تئوریک عمومی و مشخص را طی کردیم. با دیدگان باز می دانیم که وظایف عاجل ما چیست و خصلت تاریخی، کنونی و آینده این وظایف چگونه است. با بینائی و بسیج عقلی وارد عرصه اجراء و اقدام می شویم.

## فصل دوم

### ● مرحله پراتیک

مرحله پراتیک را میتوان به چهار بخش تقسیم کرد: تدارک، سازماندهی، اجراء و رهبری و سرانجام سبک درست کار. بکوشیم تا این مفاهیم را با بسط و تفصیل بیشتری بیان داریم:

۱ - در مرحله تدارک برای عمل باید از «انتخاب لحظه» شروع کرد. انتخاب لحظه یعنی کی مساعدترین و بهترین وقت برای برداشتن گام نخست است. این مسئله مهمی است. اگر ما لحظه را نامساعد انتخاب کنیم، عمل را از همان آغاز به شکست محکوم ساخته ایم. عمل معمولاً به تجربه و شش نیازمند است و این را سازمانگر عمل باید درک کند که در فلان عرصه، به فلان عمل کی باید دست زد. با مسئله انتخاب لحظه، مسئله «گام نخست» همراه است. آخریک کار را به انحاء مختلف می توان شروع کرد. در اینجا ابتکار سازمانگر ضرور است. سازمانگر بی هوش و بی ابتکار نوعی عمل را آغاز می کند که آن را از همان آغاز بی جلوه و بی اثر می سازد. لذا شش، تجربه، ابتکار، اختراع از خصال انقلابیون است. پس از گام نخست، مسئله «گام بعدی» مطرح است که معلوم نیست حتماً ادامه و هم سوی گام اول باشد. باید خودبخودی و ماشینی و قالبی عمل نکرد و دید که گام دوم چیست.

۲ - عمل باید با سازماندهی آغاز شود. بدون سازمان، عمل ممکن نیست. البته گاه سازماندهی (یعنی تدارک کادر لازم، برنامه کار، رهنمود و شعار، وسایل مادی کار) دشوار است. این نباید بهانه بی عملی قرار گیرد. ولی این هم واقعیتی است که بدون سازمان، کادر، رهنمود، برنامه و وسایل مادی کار، نمی‌شود و وظیفه‌ای را از پیش برد.

لذا تصمیم همیشه باید با تقسیم کار و تخصیص وسایل لازم همراه باشد و باید دقیقاً حساب شود که کار معین به چه تدارکاتی نیازمند است.

۳ - پس ما با بسیج کامل مادی و معنوی وارد عرصه اجراء می‌شویم. نکته مهم در روند اجراء واری (از سوی سازمان) و خودواری (از سوی اجراءکننده) است. چرا؟ زیرا در روند اجراء معلوم شود که تصمیم اتخاذ شده، با همه دقت‌ها، ناقص یا معیوب است. چیزهایی ندیده و غفلت کرده است. لذا در نتیجه واری و خودواری، انتقاد و انتقاد از خود، باید نقائص را کشف و اصلاح کنیم و اگر حتی لازم شد عمل را متوقف گذاریم و تصمیم را از نو بگیریم. یعنی از عمل بیاموزیم که باید تندتر یا آهسته‌تر رفت، گسترده‌تر یا محدودتر عمل کرد، عمل را ادامه داد یا متوقف ساخت.

۴ - در جریان اجراء سبک کاری استیل دارای اهمیت فراوانی است. در این باره سخن بسیاری می‌توان گفت ولی ما به برخی یادآوری‌ها بسنده می‌کنیم:

الف - عمل پیشروی، عقب‌نشینی یا ترصد فرصت (ترصد فعال و نه منفعل) وجود دارد. کسی که به هنگام یکی به شکل دیگر دست بزند، میتواند زیان‌های

زیاد برساند. در یک عمل میتوان به شیوهٔ قاطع و سریع یا انقلابی و میتوان به شیوهٔ تدریجی و آرام یا رفورمیستی عمل کرد. قانون طلائی سبک عمل انقلابی درآمیختن استواری اصولی با نرمش عملی است. یعنی در اصول سازش نباید کرد ولی در مسائل دیگر در صورت ضرورت سازش ممکن است تا کار پیشرفت کند.

ب - در عمل انقلابی ارزیابی واقع بینانه نیرو و امکانات خود و مخالفان شرط است. پُر بها دادن یا کم بها دادن به هر طرفی خطاست. باید در طیف موضع گیری ها، دشمن، مخالف، بیطرف، موافق و متحد را بدرستی شناخت. قانون طلائی در اینجا حداکثر تجمع بسود خود و حداکثر انفراد بزبان دشمن است. باید کوشید تا موافق متحد شود، بیطرف موافق گردد، مخالف بیطرف شود، دشمن فعال تا حد مخالف عادی برسد.

ج - عمل انقلابی حرکت از درون امکانات بسوی هدف مطلوب است. بیسمارک می گفت: «سیاست فنّ امکانات است». این یک حکم بورژوائی است. ما آرمان پرستیم و مطلوبی داریم. ولی مطلق کردن مطلوب و آرمان انقلابی و ندیدن امکانات مساعد و نامساعد دیوانگی است. بیه امکانات کم یا پُر بها نباید داد.

د - در عمل انقلابی شکست و پیروزی هر دو هست. کسانی که فقط برای پیروز شدن آمدند، سخت بر خطا هستند. هنوز ارتجاع تاریخی نیرومند است و می تواند، ولو بشکل موقت، پیروز شود و ضربتی شایسته اخلاقیات ددمنشانهٔ خود وارد سازد. لذا باید برای ایثارآماده بود. پیمان شکنی و خیانت به آرمان نه

فقط شخصیت خود فرد را خوار میکند، بلایی است برای دیگران. فداکاری افراد به همه جامعه بال می‌دهد تا بسوی اوج بیشتری پرواز کنند. انقلابی باید صبور، شجاع و بی‌توقع باشد. در شکست محکم و چاره‌گر و در پیروزی فروتن و هشیار باشد.

ه - در سبک انقلابی یک سلسله جفت‌های متضاد دیالکتیکی با هم همراه است: از سوئی بُرا و قاطع ولی در عین حال انسانی و مهربان، از سوئی لب‌دوخته و سرنگهدار و از سوی دیگر سخن‌گو، مشورت‌گر و مشورت‌ده، از سوئی متکی بخود و از سوئی متکی به جمع و غیره.

## ● پایان سخن

پیدایش سازمان و افراد انقلابی راستین - و نه ماجراجویان و حادثه‌دوستان - در درون جامعه، یک روند است. طبقاتی که انقلابی هستند، در هر کشور سنت‌های جا افتاده خود را برای عمل دارند. ولی برای انقلابیون طرازنوین، هیچ روش دیگری جز پیوند صمیم تئوری و پراتیک روا نیست.

لذا انقلابی طرازنوین به آگاهی انقلابی و سجایای انقلابی نیازمند است که باید آنها را در خودسازی، به کمک سازمان فراگیرد و خود را به صورت انسان طرازنوین درآورد.

دوران پُر تنش ما، که دوران چرخش عظیم تاریخ است، به این زنان و مردان نیاز وافر دارد تا از سر تُندیچ بزرگ تاریخ با سربلندی بگذرند.

بسیار ضرور است که این نوشته کوتاه با دقت فرا گرفته شود تا عمل اجتماعی و انقلابی ما جاهلانه و آشفته نباشد. به اندکس مقولات اساسی [در صفحه بعد] مراجعه کنید و خود را کنترل کنید که آیا آنها را بخاطر سپرده‌اید و مفهومی را می‌دانید؟




## • اندکس مقولات اساسی

خواننده میتواند بر اساس این اندکس خودپرسی کند و درک خود را از مطالب ژرفتر سازد.


شم  
وسایل مادی کار  
وارسی و خودواری  
انتقاد و انتقاد از خود  
سبک کار (استیل)  
پیش روی و عقب نشینی  
ترصد  
شیوه انقلابی  
شیوه رفورمیستی  
استواری اصولی  
نرمش عملی  
امکانات  
مشکلات  
مطلوب  
ایثار  
روند پیدایش حزب و انقلابی طراز نوین  
آگاهی انقلابی  
سجایای انقلابی  
دوران چرخش عظیم

منطق عمل  
مهندسی سطحی و بنیادی اجتماعی  
چارچوب تاریخی-اجتماعی عمل  
شناخت جامعه  
شناخت دوران  
وظایف میرم  
الاهم فالاهم (مقدم، اولویت)  
تحلیل علمی فاکت ها  
حقیقت مشخص  
برخورد سیستمی  
فرضیه نخستین  
فاکت اثباتی  
فاکت سلبی  
اراده گرائی  
کوه قدرتی  
تقدیرگرائی  
بررسی تکوینی  
تاریخی و منطقی  
نتایج محتمل  
بهینه سازی  
تصمیم  
پیش بینی (پروگنوستیک)  
تشخیص (دیاگنوستیک)  
احتمالات مساعد و نامساعد  
مرحله تدارک  
انتخاب لحظه  
گام نخست  
گام بعدی


# از این سری انتشارات:




«آن» جاودان  
'  
«معنای» زندگی  
و  
«امید»



از دیدگاه  
فرزانه بزرگ و مبارز راه آزادی  
رفیق احسان طبری




رفیق احسان طبری (۱۳۶۷ - ۱۳۸۹)





شمه‌ای در باره  
نشانه شناسی  
پا  
سمیوتیک

فصلی از پنج فصل کتاب «دانش و بینش»



سطح امروزین فلسفه  
یا تراژنامه ای از اندیشه انقلابی  
احسان طبری



احسان طبری

در باره  
منطق عمل

چگونه می‌توان به عدل اجتماعی مبنای علمی پیشید؟

